

مطالعه مردم‌شناسی کشاورزی و باغداری سنتی باغستان شهر قزوین با تاکید بر دانش بومی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۵

آناهیتا افشار ایرانی^۱علی باصری^۲یعقوب شربتیان^۳

چکیده

باغستان سنتی قزوین متشکل از عناصر مهم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و حتی زیبایی شناختی است که پیوند زیست انسانی با طبیعت را به نمایش گذاشته و به نوعی هویت این شهر محسوب می‌گردد. در باغستان سنتی باغداران به روش نیاکان خود که نسل به نسل به آن‌ها رسیده باغداری می‌کنند و رمز بقای آن در انتخاب نوع درختان متناسب با اقلیم و نیز دانش بومی می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش، مطالعه مردم‌شناسی کشاورزی و باغداری سنتی شهر قزوین با تاکید بر دانش بومی و خرد و تجربه باغداران، می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از آنجایی که فرهنگ یکی از مهمترین مسایل مورد بررسی در مردم‌شناسی بوده و پدیده‌های فرهنگی در برگیرنده وجوه متعدد زندگی انسان می‌باشد، رد پای فرهنگ باغستان را می‌توان در سلسله مراتب مشاغل، خلق سیستم مدیریت بومی، تکنیک‌ها و فنون، اصطلاحات، فرهنگ غذایی، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و آیین‌های باغستان جست و جو نمود.

کلمات کلیدی: مردم‌شناسی، کشاورزی، باغداری سنتی، باغستان، قزوین، دانش بومی

^۱ دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

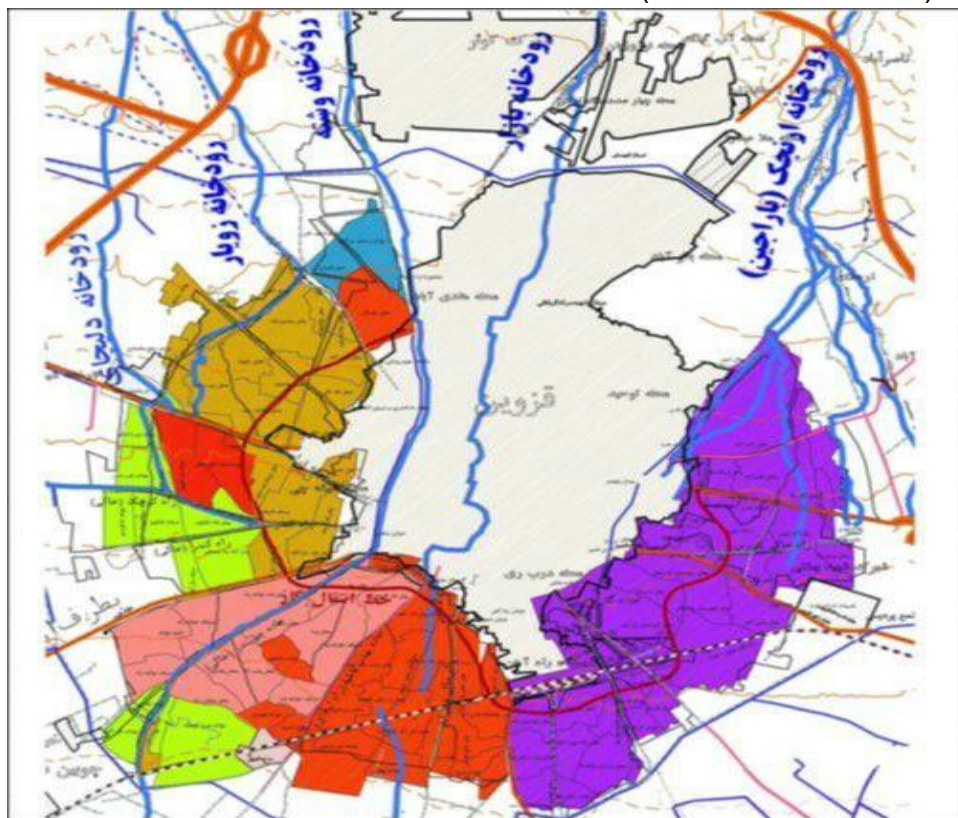
baseridon@yahoo.com

^۳ استادیار گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

باغستان سنتی شهر قزوین با پیشینه تاریخی بیش از یک هزار سال، با دو هزار و پانصد هکتار (مساحت فعلی) میراثی ارزشمند است که شهر قزوین را در سه جهت شرق، جنوب و غرب دربرگرفته است. نیاکان این خطه در طول تاریخ با رویکردی خردمندانه و انتخابی هوشمندانه در رویارویی آگاهانه با جبر طبیعت و با توجه به خصوصیات بوم شناختی و شاخصهای زیستی و منابع محدود آب، به ابداع روشهای منطبق بر محیط طبیعی با بهره‌گیری از دانش بومی به ایجاد کلیتی یکپارچه بنام باغستان سنتی اقدام کرده‌اند. این باغستان با داشتن حق آبه از چهار رودخانه فصلی ارنجک، رودخانه بازار (دیزج)، زویار، دلچای و یک رودخانه سیلابی (وشته) آبیاری میشود. با توجه به آنکه تامین آب باغستان سنتی مبتنی بر استفاده از سیلاب زمستانه و بهاره بوده، لذا روشهای مهار سیلاب در محدوده باغستان سنتی به عنوان یک عنصر هویت بخش قابل بررسی میباشد (گمرکچی، ۱۳۹۹: ۱۷).

کم آبی و نوسانات بارندگی سبب شده در نظام آبیاری و کشاورزی و باغداری ابداعاتی بوجود آید که بهره بهینه از این ابداعات برگرفته از دانش بومی است که قابل تقدیر میباشد (میردیلیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۹). در باغستان سنتی باغداران به روش نیاکان خود که نسل به نسل به آنها رسیده باغداری میکنند و رمز بقای آن در انتخاب نوع درختان متناسب با اقلیم و نیز دانش بومی میباشد، دانشی که در طول زمان بر اساس تجربه بدست آورده‌اند. این دانش مجموعه ای از تجربه‌های یک جامعه بر اساس چاره جوییهای یک قوم میباشد که ریشه در تجربه نسلهای گذشته دارد. باغستان تا به امروز پایدار مانده است و تا هنگامی که پابرجاست به عنوان پایبهای فرهنگی و فنی به تکامل ادامه می دهد (لادن مقدم، ۱۳۸۲: ۴۳). مهمترین شاخصه این مجموعه، کاشت درختان مثمر میباشد که با بهره‌گیری از دانش بومی، این مهم صورت پذیرفته است (اخوی زادگان، ۱۳۸۱: ۵۶).



تصویر ۱: رودخانه های فصلی که به داخل باغستان سنتی هدایت می شوند

گیاهان موجود در باغستان به شکل درختان و بوتههایی که در اطراف آن رویدهاند قابلیت انطباق با شرایط بومی را داشته و اکوسیستم طبیعی مختلف در باغستان ایجاد کردهاند. نظام باغبانی بومی روش مختلط کشت را در باغستان ایجاد کرده است و بطور معمول در یک باغ درختان پسته، بادام، زردآلو و سایر درختان بدون نظم خاصی قرار دارد و در کف باغها نیز بوتههای انگور قرار دارد (ورجاوند، ۱۳۷۷: ۱۹). باغستان سنتی تحت مدیریت باغبانان و دخوها بطور تجربی نسل به نسل حفظ شده است که هر دخو متولی نظارت بر امور یک یا چند محل در باغستان بوده که انتخاب آنها براساس شایسته سالاری بوده و تقسیم آب نیز برای آبیاری باغستان بر اساس حق آبه هر یک از محلها طبق طومار کهن صورت میپذیرد (اخوی زادگان، ۱۳۸۱: ۵۶). در واقع باغها در مدت زمان کوتاهی بسته به میزان بارندگی و آب رودخانهها آبیاری میشوند، در سالهای کم باران یکبار و در دورههای پر باران دو بار آبیاری میشوند تا در فصل تابستان که رودخانهها خشک هستند نیاز به آبیاری نداشته باشند. در اصطلاح محلی به این روش تخت آب یا غرقابی میگویند (صفی نژاد، ۱۳۸۳: ۹۶).

این باغات به دلیل استفاده طولانی از سیلابها دارای خاکهای عمیق و بسیار مرغوب بوده و درختان آنها با استفاده از آب رودخانههای فصلی مشروب میشود که ضمن استفاده بهینه از میلیونها متر مکعب این آبها و نیز تغذیه سفره های حوزه جنوب و شرق قزوین علاوه بر تولیدات محصولات باغی مرغوب و قابل صدور به همراه اشتغالزایی مربوطه موجب جلوگیری از جریان سیلاب های خانمان برانداز در دشت قزوین میشود (عظیمی، ۱۳۸۲: ۶). در سال های اخیر بخش کشاورزی مفهوم جدیدی را به ادبیات میراث فرهنگی اضافه کرده است که میراث کشاورزی نام دارد.

میراث کشاورزی به عنوان نوع بخصوصی از میراث تعریف شده که بطور عمده که از شیوه زندگی کشاورزان، تولید و فعالیتهای کشاورزی تشکیل شده است. میراث کشاورزی دربرگیرنده جنبههای ملموس و غیرملموس میراث در بخش کشاورزی میباشد، هرچند، تفکیک بین جنبه ملموس و غیرملموس میراث دشوار است ولی در جنبه ملموس میراث کشاورزی میتوان مناظر، چشماندازهای طبیعی، ادوات کشاورزی سنتی مورد استفاده و سامانههای آبرسانی بومی را در نظر گرفت و در جنبه ناملموس یا معنوی به آداب و رسوم، سنتها جشنهای مرتبط با کشاورزی، هنرها، دانش بومی مورد استفاده برای انجام فعالیتهای کشاورزی و از این قبیل اشاره نمود (نعیمی و دیگران، ۱۳۹۷).

یکی از بارزترین میراث کشاورزی در باغستان سنتی قزوین مدنیت کشاورزی (بنه) بوده است که نوعی تعاونی کهن برای بهرهبرداری جمعی از زمین و آب است. این نهاد سنتی که دستاورد تلاشی تاریخی در رویارویی سازنده با جبر طبیعت است، مشخصه اصلی کشاورزی منطقه بوده که تا دهه اخیر پایدار و منشا سازماندهی فرایند تولید و ساماندهی امور بهرهبرداری از آب و زمین بوده است. این امر در باغستان سنتی قزوین به عنوان یک عنصر هویت بخش قابل بررسی و تامل است (پرهیزکاری، حمیدیان، ۱۳۸۲: ۵۶). در این راستا عناصر هویت بخش باغات سنتی را میتوان در دو گروه انسان ساخت (فیزیکی- کالبدی) و غیر فیزیکی (فرهنگ و عرفها) تقسیمبندی نمود. عناصر فیزیکی و المانهای هویت ساز باغات قزوین را میتوان شامل: چاهخانهها و نحوه مرزبندیها با جوی پشتها، سیستم آبیاری باغات، آلاها و ... دانست. در کنار عناصر کالبدی برخی عرفها و سنتهای خاص باغات سنتی قزوین هستند که به واسطه آنها نظام مدیریتی و ساماندهی باغات سنتی از قدیم الایام تاکنون شکل گرفتهاند. عرفها و سنتهای مربوط به تقسیمبندی باغات، تقسیم آب، مالکیتها از این جملهاند. برخی از این سنتها از نسلهای پیشین به صورت سینه به سینه منتقل شده و برای برخی از آنان مستندات مدون موجود است. مانند: طومارهای مربوط به نظام آبیاری که قدیمیترین طومار قابل دسترس مربوط به ثلث اول قرن هشتم هجری قمری است (آورث، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

در این پژوهش سعی شده است تا به مطالعه مردم‌شناسی کشاورزی و باغداری باغستان سنتی شهر قزوین با تاکید بر دانش بومی پرداخته شود و خرد و تجربه باغداران، مورد تدقیق بیشتر قرار گیرد.

گروه‌های شغلی در باغستان

❖ دخوها (دهخداها)

❖ باغبانها

❖ خانوادهمای خود اشتغال تمام وقت

خانوادهمایی که تعداد زیادی باغ داشتند. تمام خانواده شامل پدر، فرزندان، نوهها، برادران، برادرزادهها در باغات خود کار می‌کردند. بعضی از این خانوادها وظیفه دخویی و یا باغبانی محل مالکیت خود را نیز به عهده داشتند. کلیه خانواده حول محور یک بزرگتر در یک یا چند خانه بهم پیوسته در یک کوچه زندگی میکردند.

❖ خانوادهمای خوداشتغال پاره وقت

افرادی که عملیات کارگری باغ خود را در ایام تعطیل و اوقات بیکاری انجام میدادند و از درآمد باغ، کسری مخارج و میوه مصرفی خانواده خود را تامین میکردند.

❖ کارگران تمام وقت با کارفرمای معین و ثابت دائمی

این افراد بطور تمام وقت برای یک باغدار بزرگ که شغل دیگری داشت کار میکردند و مسکن بعضی از آنها در کنار منزل باغدار تأمین میشد.

❖ کارگران تمام وقت با کارفرما متغیر

کارگرانی بودند که مسکن و وسیله کار داشتند و با افراد مختلف کار میکردند.

❖ کارگران پاره وقت با کارفرمای معین و ثابت

❖ کارگران پاره وقت با کارفرمای متغیر

❖ کارگران فصلی مهاجر از بخشهای تابعه قزوین و استانهای مجاور

❖ پیوند زنها

معمولاً افراد باتجربه و خوش دست در پیوند زنی و صاحب سلیقه در انتخاب میوهها به شغل پیوند زدن که برای آنها قداست داشت، مشغول بودند.

❖ سید بافان

خانوادهمایی بودند که بوتههای گل زرد را میچیدند و شاخه درختان قارآچ را جمعآوری میکردند و در خانه سبد چوبی برای حمل میوه و ناویند نانواییهای لواشی و صاف کردن چلو میبافتند.

❖ پالان دوزها

که در بازار برای الاغها پالان میدوختند.

❖ نعلیندان

در کاروانسراها نعل الاغها را عوض میکردند.

❖ مشارکشها

برای بریدن شاخههای ضخیم کار میکردند.

❖ اره سازها

برای ساخت اره و تیز کردن آنها. علاوه بر گروههای شغلی فوق الذکر در باغستان مشارکتهای خاصی در احداث باغات و شریک شدن در اعیانی باغات و یا کار بصورت نصفهای (برگهای کردن) بسیار معمول و در بقاء باغستان کارساز بوده است. حجم زیاد فعالیتهای، اشتغال مستقیم و غیرمستقیم افراد زیادی را در باغستان ایجاد مینموده است. تقریباً ۳۰۰۰ نفر بطور دائم در باغستان شاغل بوده و حدود ۱۲۰ هزار روز کار برای کارگران فصلی که بیشتر در اردیبهشت و خرداد باغات را بیل می‌زدند موجود بوده است. با توجه به کارهای انجام شده و تعادل طبیعی منطقه میزان عملکرد محصولات و درآمد باغستان در معیارهای اقتصادی آن زمان رضایت بخش بوده است. تخمین میزان محصولات زمانهای گذشته کاری بس دشوار است. ولی به روایت از افراد مسنی که عمر خود را در باغستان گذرانده اند ۱۰ کیلو انگور به طور متوسط از هر بوته و ۱۰ تا ۲۰ کیلو بادام خشک و یک پوست. ۵۰ کیلو تا ۳۰۰ کیلو زردآلو قیسی ۵ تا ۱۰ کیلو پسته خشک از هر درخت محصول متوسط و متعارفی بوده است و حالا نیز افرادی که در باغات سنتی امکانات دارند و کار میکنند همین محصولات را برداشت میکنند. سال ۱۳۵۵ دلانان زیادی در خرید و فروش باغات فعال بودند و تجار و کسبه بازار بهترین محل سرمایه

گذاری را باغستان میدانستند و در خرید باغات رقابت میکردند. وقتی باغی توسط سرمایه‌گذاری خریداری میشد، فوراً تعدادی کارگر برای آباد کردن باغ مشغول به کار میشدند. هر کس برای آباد کردن باغات بیشتر خرج میکرد افراد خیره، خرید باغ بیشتری را به او پیشنهاد میکردند. محصولات تولیدی باغستان قزوین پایه و اساس رونق معاملات خشکبار میشد. مغز پسته سبز قزوین در اروپا مشتریان مخصوص داشت، برگه قیسی و پسته به خارج از کشور صادر میشد. مازاد انگور عسگری به کشمش تبدیل و در طول زمستان در کارگاههای شیره پزی داخل بازار بصورت شیره و حلوا فرآوری و به استانهای گیلان و مازندران صادر می‌گردید (اخوی زادگان، ۱۳۸۲: ۱۴).

ماهیت پژوهش

شهر قزوین از گذشتههای دور به داشتن باغستان سنتی گراگرد شهر معروف بوده بطوریکه در سالهای اخیر این باغستان به عنوان یک میراث ملی به ثبت رسیده و در فهرست انتظار ثبت جهانی قرار دارد. کهنترین باغ شهر زنده ایران در یک منطقه کم آب شکل گرفته که از دیرباز مرکز کشاورزی و باغداری بوده است. فعالیتهای کشاورزی همواره در گرو امکانات ناچیز آب بوده است. به دلیل ویژگیهای محیطی و جغرافیایی آن، نوعی از کشاورزی که نیاز آبی منطبق با این شرایط است را با تکیه بر دانش بومی به شیوه غرقابی رواج داده و تا به امروز پایدار باقی مانده است (ستوده نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

باغستان سنتی در پیوند با اقتصاد و زندگی مردم میباشد. شاید در نگاه اول تنها وضعیت اقتصادی و درآمد آن مهم به نظر برسد، اما تاثیر آن به حوزههای اجتماعی، فرهنگی و هنری، شهرسازی و معماری، کمتر از جنبه اقتصادی آن نبوده است. برخی مردم شناسان بر این باورند هیچ پدیده اقتصادی صرفاً اقتصادی نیست و جنبههای فرهنگی نیز در آن وجود دارد و پدیده های فرهنگی و اجتماعی با مسایل اقتصادی گوناگون گره خوردهاند (شربتیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۷). در بیان اهمیت اقتصادی باغستان این نکته را نباید از نظر دور داشت که معیشت بیش از چهار هزار و پانصد خانوار بطور مستقیم و غیر مستقیم به این باغات وابسته میباشد. محصولات عمده باغستان، پسته، بادام، انگور و در درجه بعد زردآلو و گردو است. در حال حاضر حدود هشتصد هکتار باغ پسته وجود دارد. اگر درآمد هر هکتار باغ فعال را سالانه ۱۵۰ میلیون تومان محاسبه کنیم، ۱۲۰ میلیارد تومان درآمد سالانه باغستان سنتی فقط از تولید پسته خواهد بود. این ارقام نشان میدهد اگر حقابه باغستان تامین شود و رانت جویان فکر تغییر کاربری باغستان را ترویج نکنند، باغستان کاملاً سودآور است. در شرایط حاضر میزان سود دهی باغات در درجه اول به میزان آب بستگی دارد (گزارش مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۹: ۹). حوزههای فرهنگی و اجتماعی نیز تاثیر شگرفی از باغستان داشته و هر یک میتواند بطور جداگانه مورد بررسی علمی قرار گیرد. نبوغ و بلوغ دانش بومی در شکلگیری گروههای شغلی در باغستان، نظام مدیریتی مبتنی بر عرف و سنت، مدیریت آب، آداب و رسوم، باورهای فرهنگی، الگوهای مشارکتی، ادبیات و هنر در تاثیر مستقیم از باغستان شهر بوده است.

از آنجایی که فرهنگ یکی از مهمترین مسایل مورد بررسی در مردم شناسی بوده و پدیدههای فرهنگی در برگیرنده جوه متعدد زندگی انسان میباشد. رد پای فرهنگ باغستان را میتوان در سلسله مراتب مشاغل، خلق سیستم مدیریت بومی، تکنیکها و فنون، اصطلاحات، فرهنگ غذایی، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و آیینهای باغستان جست و جو کرد. نقش مهار کننده سیلابهای فصلی در حوزه باغات، تغذیه آبخوان منطقه با شیوه تخت آب و غرقابی از موارد دارای اهمیت باغستان سنتی میباشد. به دلیل اینکه باغستان سنتی در سه جهت پیرامونی غرب، شرق و جنوب قزوین گسترده شده است، نقش مهمی در کاهش دمای هوای شهر، کنترل آلایندهها و نیز تثبیت خاک، دارای اهمیت اکولوژیکی نیز است. اما با تمامی این تفاسیر آنچه که پایداری باغستان را رقم زده است، اندوختههای تجربی نسل به نسل و دانش بومی در میراث کشاورزی باغستان میباشد. دانشها و فناوریهای بومی، بقول مارسل موس، تکنیکهای بدن جامعه سنتی ما در زمینهای گوناگون و به ویژه تولید، شگفت انگیز و در عین حال تا اندازه زیادی ناشناختهاند.

شناسایی ما از چنین دانشها و فن آوریهایی اگر کمتر از یک به هزار نباشد، بیشتر نیست. برای مثال تنها در زمینه کشاورزی ما تجربیات ناشناخته ثبت نشده و فوقالعادهای در مسایل آب یابی، آب رسانی و آبیاری داشته و داریم. فرهادی در مقاله "مردم نگاری دانشها و فن آوری سنتی، نان شب مردم نگاران" در باب اهمیت دانش بومی آورده است: بسیاری از این دانش ها و فن آوریهای بومی همکنون یا در گور شدهاند یا در حال زنده به گور شدن هستند(فرهادی، ۱۳۹۳: ۲۶). پایداری نهاد سنتی باغستان قزوین دستاورد تلاشهای باغداران در طول سالیان متمادی و با استفاده از دانش بومی میباشد که مطالعه این میراث با ارزش، منحصر به فرد و با زیرساختی طبیعت محور را حایز اهمیت ساخته است.

هکتارها باغ سنتی در پیرامون باغ شهر قزوین با قدمت باغداری کم نظیرش، ضرورت مطالعه دانش بومی حاکم بر آن و راز ماندگاری، پایداری و تداوم باغستان را دوچندان نموده است. بر کسی پوشیده نیست این میراث گرانبها حاصل آزمون و خطا، هشیاری مردمان آگاه بر رازهای اقلیمی و ریشه در اندوختهها، دستاوردها و تجربیات بین نسلی در درازای دورههایی است که سینه به سینه تداوم یافته و به امروزه منتقل شده است. امروزه عوامل طبیعی چون خشکسالی و کم آبی از یکسو و عوامل انسانی از جمله اقتصاد و توسعه شهری، شهرنشینی شتابان، کم آقبالی جوانان به ارزشها و سبک زندگی پدران باغدار خود و همچنین تغییر کاربریهای سودجویانه در باغستان از دیگر سوی، این محدوده را بشدت تهدید و گستره آن را رو به تخریب و تحدید نهاده است. از آنجایی که دانش بومی، شفاهی و محلی است و برخی آن را غیرعلمی، ایستا و عامیانه میدانند و در هنگامی که توسعه سریع صنعت و تکنولوژی را شاهد هستیم، بیم آن میرود با این قابلیت آسیبپذیری، روند انتقال دانش بومی، با همه جامعیت و کارآمدی خود به مخاطره افتاده و این مهم در خطر نابودی قرار گیرد. بعبارتی زوال گنجینه عظیم دانش بومی با مرگ هر پیربومی سرعت مییابد و به تدریج از تعداد این حافظان فرهنگ شفاهی کاسته میشود، لذا هر اقدامی برای گردآوری، حفاظت و نگهداری از آن نیاز روز، ضروری و اضطراری میباشد. بدون تردید، بیاعتنایی به دانش بومی نیاکانمان در هر حوزه‌ای که برگرفته از قرن‌ها مساله گشایی است، به مثابه فراموشی تجربیات و اندوختههای پیشینیان خواهد بود. در این میان مطالعه دانش بومی باغستان با رویکردی محلی که پدیده‌های سنتی و بوم زاد و تجربه زیست جمعی میباشد، ضرورتی اجتناب ناپذیر است که به یقین در صورت اهمال در نگهداری، رو به فراموشی خواهد رفت. سرعت بیسابقه تغییرات از حیرت انگیزترین رویدادهای دنیای امروز میباشد، بنابراین مردم شناسی در قبال گردآوری دانش بومی، روشها و تکنیکهای آن که حاصل رهیافتهای جمعی و نیز به سرعت دستخوش دگرگونی و زوال است، وظیفه دارد، پیش از آنکه مظاهر دستاوردهای پیشینیان به بوته نسیان سپرده شود، بصورت فوری از عهده ثبت و ضبط آن برآید. لذا از مهمترین اهدافی که در این پژوهش به دنبال دستیابی به آن بودهایم میتوان به مطالعه مردم شناسی کشاورزی و باغداری باغستان قزوین با تاکید بر دانش بومی اشاره نمود.

روش انجام پژوهش

روش مورد استفاده در مردم شناسی به لحاظ عمق ژرفانگر نام دارد که در این روش جامعه کوچک و محدودی که همه ابعاد آن قابل مشاهده باشد در نظر گرفته میشود تا تمام جنبه‌های حیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن بطور دقیق و همه جانبه مورد بررسی قرار گیرد. مردم شناس برای درک عمیق ویژگیهای زندگی مادی و معنوی جامعه باید در زندگی مردم مشارکت داشته و بعنوان یکی از اعضای جامعه درآید(شریبتیان، لادن مقدم، ۱۳۹۸: ۱۸). بنابراین در این پژوهش، عناصر مادی و معنوی فرهنگ باغستان مورد مشاهده و مطالعه عمیق قرار خواهد گرفت. با توجه به ژرفانگر بودن روش مردم شناسی و محدود کردن موضوع باغستان شهر قزوین، خصوصیات فرهنگی این جامعه محدود مورد بررسی قرار گرفته، همراه با مشاهده مشارکتی و از آنجا که تکیه مردم نگاری بر مشاهده میباشد، سعی گردیده، مطالعه مردم شناسی در تمام فصول سال، در زمینه کاشت، داشت و برداشت انجام شود.

البته لازم به ذکر است که روش میدانی ژرفانگر همراه با مشاهده مشارکتی است که برای تکمیل تحقیق از منابع و اسناد و سفرنامهها نیز استفاده میشود. و با توجه به استفاده ترکیبی از روش میدانی و اسنادی، یکی از روشهای گردآوری اطلاعات مصاحبه با باغداران سنتی و باغبانان در باغستان میباشد. این را باید در نظر گرفت که اطلاعات مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه از روشهای پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده و مطالعه اسناد و مدارک میباشد (روح الامینی، ۱۳۹۱: ۹۷). در این تحقیق به عنوان ابزار جمعآوری اطلاعات نیز مشاهده و مصاحبه عمیق بکار گرفته میشود که این اطلاعات از طریق گفت و گو و مشاهده تمام مشاغل وابسته به باغستان از جمله کشاورزان و باغداران بدست میآید. ضمن اینکه برای تکمیل اطلاعات نیاز به مطالعه و استفاده از اسناد مکتوب چون طومار آب، قراردادهای و بطور کلی اسنادی که در مردم‌شناسی نقش اساسی دارند و همچنین منابع شفاهی مورد استفاده قرار میگیرند و در نهایت با استفاده از مولفههای چارچوب نظری، مصاحبه و مشاهده در تحقیق، یافتههای تحقیق توصیف و تجزیه و تحلیل میگردد. در مجموع این تحقیق به لحاظ ماهیت از نوع کیفی و از نظر فایده و کاربرد در گروه تحقیقات بنیادین قرار میگیرد و به لحاظ عمق ژرفانگر می باشد.

ویژگیهای جامعه مورد مطالعه

استان قزوین با مساحتی معادل ۱۵۶۲۶ کیلومتر مربع در نیمه شمالی کشور واقع شده و در حدود یک درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است. به لحاظ موقعیت نسبی از سمت شمال به استانهای مازندران و گیلان، از سمت غرب به استان زنجان و از جنوب با استانهای مرکزی و همدان و از شرق با استان البرز همسایه است (سالنامه استان قزوین، ۱۳۹۸: ۳۱). عواملی چون نزدیکی به دریای خزر (مازندران) همسایگی با استانهای پر جمعیت و قرارگیری حاشیه شمالی استان در رشته کوه البرز غربی، توانهای محیطی فراوانی را در استان قزوین فراهم کرده است. برخی از این امتیازات عبارتند از: تنوع آب و هوایی، توانمندیهای بالقوه و بالفعل در زمینه کشاورزی، نزدیکی به پایتخت کشور، موقعیت ممتاز ارتباطی (دسترسی مطلوب به بزرگراهها، راه آهن و خطوط ارتباطی بین المللی) (استان شناسی قزوین، ۱۳۹۷: ۲).

این شهر از شمال به کوههای الموت، از جنوب به دشت قزوین و بویین زهرا، از شرق به آبیگ و از غرب به تاکستان محدود میشود. در واقع استان قزوین پل ارتباطی بین استانهای مرکزی، شمالی، شمال غربی و غرب و حتی کشورهای اروپایی است. در طول تاریخ، جادههای عمده تجاری بسیاری در مقیاس کشوری و فراکشوری از محدوده فعلی این استان گذشتند. جاده ابریشم از جمله این جادهها در اعصار گذشته بوده است. در قسمت میانی استان قزوین دشت پهناوری به وسعت چهار هزار و پانصد کیلومتر مربع به نام دشت قزوین قرار گرفته است، ارتفاع این دشت ۱۱۳۰ تا ۱۴۰۰ متر میباشد و یکی از حاصل خیزترین دشتهای کشور است که حدود سه چهارم آن قابل کشاورزی میباشد. میزان بارش و درجه حرارت در مناطق مختلف استان قزوین بسیار متفاوت است و همین امر سبب تنوع آب و هوا در این استان میشود. میزان بارندگی به طور متوسط ۳۰۰ میلیمتر است، حداکثر دما در تابستان ۳۸ درجه بالای صفر و سردترین هوا در زمستان تا ۱۹ درجه زیر صفر میباشد (آصف زاده، ۱۳۷۴: ۵).

شناخت شرایط آب و هوایی و چگونگی بروز شاخصهای هواشناسی یعنی دما و بارندگی در یک محل از عوامل موثر در تعیین اقلیم یک منطقه میباشد. دو عنصر اصلی اقلیمی یعنی دما و بارش قزوین در طول دوره آماری ۴۵ ساله نشان میدهد روند تغییرات در طول دوران یکسان نبوده، متوسط بارندگی این دوره توسط ایستگاه سینوپتیک قزوین برابر ۳۱۶/۸ میلی متر محاسبه گردیده است (رهنما یامی، قهرمان، ۱۳۸۶: ۵). سیستمهای هوایی مؤثر در استان عبارتند از: سیستم غربی و مدیترانه‌ای که بیشترین عامل بارندگی در استان را تشکیل میدهد و سیستم پرفشار شمال که عامل سردی و رطوبت میباشد. در استان دو جریان باد وجود دارد: جریان شمالی که از شمال غرب در جهت جنوب شرق میوزد و به باد مه معروف است. جریان دیگر باد شره میباشد که از جنوب شرقی در جهت شمال غربی میوزد (سال نامه آماری استان قزوین، ۱۳۹۸: ۳۸). همچنین، منابع آب استان قزوین به دو گروه سطحی و زیرزمینی دستهبندی

میشود. آب های سطحی استان عمدتاً در دو حوضه آبریز جاری است. حوضه آبریز شمالی (سفید رود) که ۲۸ درصد مساحت استان در این حوضه و حوضه آبریز جنوبی (شور) که ۷۲ درصد مساحت کل استان در این حوضه قرار گرفته است. کل حجم آب رودخانه‌های استان با احتساب آب انتقالی از رودخانه طالقان به دشت قزوین بالغ بر ۲/۲ میلیارد متر مکعب در سال است. رودخانه‌های دائمی شاهرود از بهم پیوستن رودخانه‌های الموت رود و طالقان رود و نیز سرشاخه های فرعی که به این دو رود میریزند از قبیل زرشک رود، اندج، آوه، کوچنان، اوان، افتاب رود، دینه رود، خرم رود، چاله رود، تالش رود و... تشکیل شده است. در حوضه آبریز شور نیز چندین رودخانه دائمی و فصلی جریان دارد که عمدتاً شامل ابهررود، خررود و حاجی عرب است (مجابی، ۱۳۸۸: ۳۰). منابع آب زیر زمینی نیز شامل چاهها و دهها رشته قنات در سرتاسر استان میباشد.

با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط طبیعی، انواعی از خاکها وجود دارد که برخی از آنها برای زراعت، باغداری و نیز مراتع و برخی دیگر به علت اهمیت کم زیستی برای احداث واحدهای صنعتی و نیز به عنوان مواد اولیه صنایع مناسب هستند. انواع خاکهای استان را به صورت زیر میتوان طبقه‌بندی کرد: خاکهای کوهستانی: در اراضی دامنه کوهها با شیب زیاد که از سنگهای آهکی تشکیل شده‌اند. خاکهای کوهپایه‌ای: که از مواد آهکی و سنگریزه بوجود آمده و نسبتاً عمیقند و در حاشیه شمال و غرب دشت قزوین دیده میشود. خاکهای نواحی هموار دشت: این خاکها از آبرفتهای ریز دانهها با رسوب گذاری رودهای شمالی دشت قزوین و خر رود بوجود آمده است. این نوع خاک عمیق با بافت ریز، از مستعدترین اراضی کشاورزی استان محسوب میشود. که بصورت نعلی شکل، دشت را دربرگرفته‌اند. خاک شور و قلیایی: شوری و درجه قلیایی بالایی دارد و در محدوده‌های بنام باتلاق نمکزار جنوب شرقی استان و در انتهای حوزه سفلی رودخانه خر رود مشاهده میشود (استان شناسی قزوین، ۱۳۹۷: ۲۳).

تنوع ویژگیهای جغرافیایی استان به گونهای است که موجب ایجاد اقلیم مختلف در آن گشته و به تبع آن پوشش گیاهی و کشتهای زراعی متفاوتی در سطح استان مشاهده میشود. پر بارانترین نقاط دامنه‌های شمال شرقی در منطقه الموت بوده که دارای کمترین میانگین دمای سالانه نیز میباشد. خشک ترین مناطق از بخشهای جنوبی تاکستان شروع به سمت جنوب شرق و منطقه بویین زهرآ امتداد مییابد. همچنین در مناطق شمال غربی نیز روند کاهش باران به واسطه کاهش ارتفاع مشهود بوده، بطوریکه با رسیدن به مناطق کم ارتفاع طارم سفلی بارندگی رو به کاهش گذاشته و میانگین دما افزایش مییابد. لذا بیشترین پهنه استان در اقلیم نیمه خشک و خشک سرد قرار دارد (هدایتی دزفولی، کاکاوند، ۱۳۹۱: ۶۵).

مردم قزوین در اصل آریایی و از خاندان دیلم بوده‌اند، بعدها به واسطه آمیزش با تازان و اتراک و مغول ممکن است تغییراتی در آنها پدید آمده باشد. برخی از ساکنین نواحی استان بجز افرادی که در قسمت الموت و کوهپایه زندگی میکنند، گروههای دیگری هستند که به لحاظ سیاسی و موقعیت خاص جغرافیایی این منطقه، در زمانهای مختلف از نواحی دیگر به این سرزمین آمده و در آن استقرار یافته‌اند. زبانهای رایج در استان قزوین عبارتند از فارسی، تاتی، مراغی. دیلمی، کردی، لری. لکی، ترکی، رمانلویی زبان رایج مردم شهر قزوین و نیز بیشتر ساکنین بخشهای شرقی این استان فارسی است در محله‌های بافت قدیم شهر سه گویش راری ای، مغلواکی، گوی میدانی در میان مردم متداول است. به جز زبان مراغی که در همه روستاهای مراغی نشین این استان به یک شکل گویش میشود سایر زبانها، بسته به شرایط اقلیمی و نیز تحت تاثیر زبانهای همسایه دارای گویشهای متفاوتی هستند (فقیه زاده، ۱۳۸۲: ۳۱).

تاریخچه پیدایش شهر قزوین

قدمت و سابقه تاریخی منطقه قزوین برابر اسناد و مدارک به جا مانده به دوران حکومت مادها در قرن نهم پیش از میلاد می رسد. در آن زمان ناحیه کوهستانی جنوب و جنوب غربی قزوین جزو قلمرو مادها محسوب میشده است. در حفاریهای بعمل آمده در تپه‌های سگزآباد قزوین آثار و اشیایی بدست آمده که نشانگر قدمت تاریخی این منطقه تا هزاره چهارم و پنجم قبل از میلاد

است. اما بنای اصلی شهر قزوین را به شاپور ذوالاکتاف ساسانی نسبت می‌دهند. احمد بن ابی عبدالله برقی در کتاب البنیان روایت میکند که بانی شهر قزوین شاپور اول ساسانی است که به سال ۲۴۲ میلادی این شهر را بنا کرده است. علت بنای آن را لزوم یک پایگاه نظامی برای جلوگیری از حملات دیلمیان ساکن نواحی شمالی قزوین میدانند (ورجواند، ۱۳۵۴: ۳). آنچه مورخان نوشته‌اند که شاپور ذوالاکتاف آن را بنا کرده بدان معنا نیست که در سرزمین خشک و لم یزرع به ناگاه شهری بنا شده باشد. شاپور ساسانی به منطقه قزوین آمده و در کنار رودخانه‌های که صومعه یزدان پرستی بوده نزول کرده است. صومعه یاد شده در زمان حمدالله مستوفی به صورت قلندرخانه درآمده بود. ببتردید آتشکده‌های بوده که برای پرستش اهورامزدا به آن مکان مقدس رفتند چون در آیین زردشت آتشکده‌ها، آن هم آتشکده‌های که شاه در کنار آن اقامت نماید باید می در مکان پرجمعیتی بنا شده باشد. شاپور در این مکان دستور می‌دهد شهری بسازند یعنی در بخشی از شهر کهن بناهای جدید برپا دارند و چون دیلمیان و دیگر کوه نشینان هم‌گاه مزاحم مردم این منطقه می‌شدند. در بنای جدید شهر میتوان باور داشت که شاپور به جنبه‌های نظامی و دفاعی بیشتر نظر داشته و با بنای حصارک بر اطراف شهر امنیت بیشتری فراهم آورده است (همایون، ناصر، ۱۳۷۵: ۲۸). قزوین در سال ۲۴ هجری به دست برآین عازب فتح شد و در سال (۱۷۰ - ۵۱۴۹) به دستور موسی الهادی خلیفه عباسی در نزدیکی شهر قدیمی شهری به نام (مدینه موسی) ساخته شد (آصف زاده، ۱۳۷۴: ۴). در زمان صفویه این شهر به علت موقعیت و اهمیت ویژه‌های که داشت به عنوان پایتخت برگزیده شد و رونق و اعتبار بیشتری یافت. در دوره قاجاریه نیز قزوین به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و واقع بودن در مسیر تهران به اروپا و روسیه اهمیت قابل ملاحظه ای مییابد.

چارچوب نظری

اگر بخواهیم نگرش و تاملی عمیق بر مبحث مردم‌شناسی باغستان داشته باشیم، باید خاطر نشان کنیم، چنین پژوهشی در این باب نیازمند بهره جستن از رهیافتهای نظری متعددی میباشد، تا ما را در فهم و تبیین بهتر مردم‌شناسی باغستان سنتی یاری رساند. البته موضوع باغستان به نحوی است که با مفاهیم موجود در رشته های علمی متعددی ارتباط پیدا می کند. از اینرو برای تحلیل داده ها و اطلاعات جمع آوری شده از رهیافت های نظری کارکردگرایی و ساختار گرایی برای مطالعه باغستان استفاده میشود. در کارکردگرایی می توان نقش و کارکرد و وظیفه یک مجموعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در نظر بگیریم چون به عقیده صاحبان این مکتب همه چیز در سیستم اجتماعی یک کارکرد و وظیفه معینی دارد. (روح الامینی، ۱۳۹۱: ۳۰۲). کارکردگرایی همچون اشاعه گرایی یکی از نظریاتی بود که در واکنش به تصورگرایی بودجود آمد، از لحاظ تاریخی، ریشه های تاریخی را می توان در نزد سه متفکر بزرگ آگوست کنت، هربرت اسپنسر و امیل دورکیم یافت، اما نظریه پردازان اصلی این گرایش که توانستند آن را به یک ابزار در زمین تحقیق تبدیل کنند، مالینوفسکی و رادکلیف براون بودند. در این رویکرد سه مفهوم اساسی، کل، جزء و رابطه مشاهده می شود. کارکرد دو اصل اساسی را در خود جای می دهد: ۱) اصل جامعیت (کل گرایی) ۲) اصل سودمندی.

منظور از جامعیت آنست که هر پدیده اجتماعی به عنوان جزئی در نظر گرفته می شود که در درون یک محیط کل قرار می گیرد و در رابطه با این کل تحلیل می شود. جزء و کل بودن مفاهیم نسبی هستند، یعنی اغلب پدیده ها در یک سطح کل و در سطحی دیگر جزء بشمار می آیند. مثلا خانواده از یکسو جزئی از جامعه ملی بعنوان یک کل است ولی از سوی دیگر نسبت به اجزای خود یک کل به حساب می آید. (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۶۱). منظور از اصل سودمندی آنست که هر پدیده اجتماعی باید دارای نوعی تاثیرگذاری باشد و به نوعی نیاز در جامعه ای که در آن بوجود آمده پاسخ گوید. اصل سودمندی پاسخ به این سؤال است، هر چیزی به چه کاری می آید؟ طبعا در اینجا فرض بر آن است که هر چیزی که وجود دارد باید به کاری هم بیاید. این اصل را ضرورت کارکردی نام داده اند. در این دیدگاه باید در نظر داشته باشیم که کارکردها می توانند آشکار یا پنهان باشند. کارکرد آشکار، کارکردی است که بازیگران اجتماعی به وجود

آن آگاهی دارند و آن را با همین عنوان می‌پذیرند و کارکرد پنهان، کارکردی است که بازیگران اجتماعی لزوماً و دقیقاً نسبت به وجود آن آگاهی ندارند و با این عنوان آن را نمی‌پذیرند. (پیشین: ۱۶۱) کارکردگراها معتقدند هر عمل اجتماعی و هر نهاد فقط بوسیله نقش اجتماعی، یعنی نقشی که در بطن مسایل پیچیده و قامض فرهنگی ایفا می‌نماید قابل توجیه و تفسیر است. عبارتی فونکسیون برآوردن یک نیاز بوسیله یک عمل است. برای فهم کارکرد مستقیم‌ترین راه این است که اثر و نتیجه هر پدیده را بصورت معمول ببینیم (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۱۹). کارکردگرایی یکی از نظریات عمده در علوم اجتماعی است. محوری‌ترین مفهوم در کارکردگرایی واژه کارکرد است که به معنای نتیجه و اثر انطباق یا سازگاری یک ساختار معین است. در علوم اجتماعی بخصوص در انسان‌شناسی فرهنگی، کارکردگرایی به تجربه و تحلیل کارکردها مربوط می‌شود. کارکردگرایی ابتدا توسط امیل دورکیم شکل گرفت اما امروزه با اندیشه‌های پارسونز درآمیخته است. بطور کلی معنای کارکرد در منطق کارکردگرایی اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقا و انسجام نظام اجتماعی دارد. به بیانی دیگر کارکردگرایی، هر پدیده یا نهاد اجتماعی را از نظر روابط آن با تمامی هیات جامعه مورد شناخت قرار می‌دهد. (شربتیان، لادن مقدم، ۱۳۹۸: ۱۶). به استناد نظریه کارکردگرایی در تحقیق باغستان این باور وجود دارد که اکثر پدیده‌های فرهنگی، آداب و رسوم و دانش بومی دارای کارکرد و فایده هستند و نیازها را پاسخگو می‌باشند که در انسجام و همبستگی گروهی نقش مهمی را ایفا می‌کند.

باغ و باغداری در قزوین

ریشه تاریخی باغ‌های قدیمی ایران به سه قرن قبل از میلاد مسیح می‌رسد که آغاز آن از دوران ساسانیان است و در این بین شهر قزوین که بنای اولیه آن را به شاپور اول ساسانی نسبت می‌دهند از این مهم بی‌بهره نبوده است. قدمت کشت و کار برخی محصولات باغی در قزوین به بیش از هزار سال می‌رسد و با توجه به اقلیم‌های مناسب از سردسیری تا نیمه گرمسیری و عرض جغرافیایی مناسب جهت اکثر محصولات سردسیری و خشک، توانایی و استعداد بالقوه بسیار بالایی را در امر توسعه و افزایش محصولات باغی دارا است. باغ‌های متنوع و کهنسال قزوین علاوه بر تولید محصولات باغی دارای قابلیت‌های دیگری از جمله افزایش سرانه فضای سبز، برقراری تعادل بیولوژیکی منطقه، ابخیزداری، افزایش جذب توریست و اکوتوریسم می‌باشد.

اهمیت این باغات در بقای سرزمین قزوین تا بدانجاست که این دیار نام خود را از باغات آن مانند پسته وام گرفته است. در این باره در اسناد موجود آمده است: قزوین از ترکیب دو جزء تشکیل یافته: جزء (وین) بر وزن سین در فرهنگ‌های لغت فارسی به معنی درخت، باغ، رنگ و بطور عموم انگور سیاه آمده است.

پسته خوش طعم، سبز و کوچک قزوین از دوران کهن معروفیت بسیار داشته و در کنار انگور از فراورده‌های کشاورزی مهم و معروف قزوین به شمار می‌رود. به احتمال بسیار درخت بنه با نام (کزون) درگذشته معروف بوده و از گیاهان مهم منطقه قزوین به شمار می‌رفته است، می‌تواند نام خود را به این سرزمین داده باشد و بر اثر گذشت زمان از کزون به قزوین تغییر شکل یافته باشد. به عبارت دیگر قزوین یعنی (سرزمین پسته) (ورجاوند، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

یافته‌های پژوهش و جمع بندی

ضرورت وجود تحقیقات علمی برای بشر را می‌توان نیازفطری انسان برای پاسخگویی به نیازهای حیاتی دانست. روش علمی تحقیق، مجموعه روش‌هایی است که محقق برای جمع‌آوری حقایق و واقعیت‌ها دنبال می‌کند تا سپس آنها را تفسیر و تبیین و اثبات کند، در واقع، روش قابل اطمینان برای دستیابی به شناخت، به عنوان عنصر اساسی دانش است. شیوه جستجو و پیدا کردن پاسخ به سوالات مورد نظر، با استفاده از ابزار تحقیق مانند، مصاحبه، پرسش‌نامه و مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. هدف اولیه پژوهش علمی، بررسی و ارزیابی نظریه‌ها، ارزیابی نظریه جدید و حل مشکلات می‌باشد.

نخستین شرط در مطالعات مردم شناسی رفتن به محل و اقامت در آنجاست. بدین ترتیب ارتباط بین محقق و جامعه مورد مطالعه برقرار می شود. مردم شناس ضمن زندگی در میان جامعه مورد مطالعه خود و مشاهده عناصر مختلف تشکیل دهنده زندگی آنها، به طبقه بندی پدیده های مختلف اجتماعی می پردازد. روش بررسی در این پژوهش مبتنی بر تجربه زیسته و مشاهده ای است که نگارنده در باغستان سنتی قزوین مورد مطالعه داشته و از نزدیک نظام آبیاری و دانش بومی بکار گرفته در باغستان را مشاهده نموده است.



تصویر ۲: آبیاری غرقابی از شاخصه های منحصر بفرد باغستان قزوین مبتنی دانش بومی این پژوهش به لحاظ ماهیت از نوع کیفی و بلحاظ عمق از نوع ژرفا نگر است و در گروه تحقیقات بنیادین و در عین حال کاربردی قرار می گیرد. بررسی مردم شناختی دانش بومی در باغستان سنتی قزوین با روش کمی امکان پذیر نبوده، چرا که در این تحقیق نیازمند حضور پژوهشگر در میدان تحقیق است. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از اسناد مدون و بررسی محلی استفاده شده است. بررسی محلی مبتنی بر بازدید مکرر، مشاهده میدانی و مشارکتی، گفت و گو با مطلعین محلی، باغدارها و باغبان ها می باشد. تحقیق حاضر از نوع کاربردی از نظر محتوا کیفی و بلحاظ هدف شناختی و اکتشافی، از نظر زمان مقطعی و از منظر روش، ارزیابی تحلیلی است.



تصویر ۳: چاهخانه نمونه‌ای از عناصر فیزیکی باغستان که به لحاظ کاربردی مکانی برای نگهداری وسایل و ابزار باغداری و محل استراحت باغداران میباشد (چاهخانه بلوک حاتم بک، تابستان ۱۳۹۸)



تصویر ۴: نمونه‌هایی از ابزار سنتی ازّه مورد استفاده در باغستان



تصویر ۵: تصویری از باغدار و باغبان محل سازآباد سربند با لباس باغبانی که ابزار بر کمر دارند

منابع

- آورث (مهندسین مشاور) ج اول. (۱۳۸۵). مطالعات پایه شهرداری قزوین.
 آصف زاده ، محمد باقر. (۱۳۷۴). قزوین در گذرگاه هنر. انتشارات بحرالعلوم. چاپ اول.
 اکرم و کاکوند، رضا. (۱۳۹۱). پهنه بندی اقلیمی استان قزوین. دوفصلنامه علمی فنی نیوار. ۷۶-۷۷.
 اخوی زادگان، عباس. (۱۳۸۱). طرح مطالعاتی احیا و ساماندهی باغات سنتی قزوین. کارفرما شهرداری قزوین.
 استان شناسی قزوین. جغرافیای قزوین ۱۳۹۷.
 پرهیزگاری، طاهره و حمیدیان، مرضیه. (۱۳۸۲). اولین همایش باغ های سنتی قزوین. برگزار کنندگان استانداری، شهرداری و جهاد کشاورزی.
 توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). نظریه های جامعه شناسی. انتشارات سمت.